روزنه

دفاع دوباره روحانی از مذاکرات

تشکر از ظریف، تعجب از رقیب

● **شرق:** مذاکره بر سر احیای برجام همچنان ادامه دارد و مخالفان داخلی شمشیر خود را برای مقابله با آن تیز کرده‌اند. نمونه مشخص آن صداوسیماست که با پخش برنامه و مستندهایی قصد تخریب تیم مذاکره‌کننده را دارد. رئیس‌جمهوری، روز پنجشنبه از این رویکرد ابراز تعجب کرد و با بیان اینکه برای من قابل درک نیست که چطور فردی می‌تواند ایرانی و مسلمان باشد؛ اما از برداشتن تحریم‌ها علیه ملت ایران خوشحال نشود، گفت: «هر زمان که ببینیم طرف مقابل ما آماده اجرای قانون و مقررات شده، لحظه‌ای صبر نخواهیم کرد و وقتی ببینیم حق مردم را می‌توانیم بگیریم، یک لحظه صبر نمی‌کنیم، حال اگر عده‌ای ناراحت هستند، مهم نیست». حسن روحانی که در مراسم افتتاح طرح‌های ملی وزارت جهاد کشاورزی سخن می‌گفت، ادامه داد: «از فرصت استفاده کرده و از وزارت امور خارجه و همه دستگاه‌هایی که در کنار وزارت خارجه در مذاکرات وین برای شکستن تحریم تلاش می‌کنند، تشکر و قدردانی می‌کنم». هفته گذشته تلویزیون مستندی با عنوان «پایان بازی» پخش کرد که هدف آن تخریب مذاکرات هسته‌ای بود. مستندی که با واکنش منفی دولتی‌ها مواجه شد. روحانی گفت این مستند که روی دستشان باد کرده بود، ماهیت آنها را نشان می‌دهد. رئیس‌جمهوری چهارشنبه گذشته در جلسه هیئت دولت به دفاع از برجام و تیم مذاکره‌کننده پرداخته و گفته بود: «امروز همه می‌دانند راه‌حل برای معضل هسته‌ای ایران اجرای توافق هسته‌ای است و این موضوع برای ۴+۱، ۵+۱، اروپا، منطقه و همه روشن شده است که باید توافق به‌خوبی اجرا شود». اسحاق جهانگیری نیز در توییتی نوشت: «حمله به تیم مذاکره‌کننده و دکتر ظریف در شرایطی که در حال مذاکراتی تا این حد حساس هستیم، مثل شلیک به پای خود است. رقابت انتخاباتی به هر قیمتی سیاست نیست. به مصالح ملی ایران فکر کنید و صبور باشید». پیش‌تر نیز شبکه سوم تلویزیون با پخش سریال «گاندو ۲» به تخریب برجام و تیم مذاکره‌کننده پرداخته بود.

تحریم‌بودن افتخار نیست

محمدجواد آذری‌جهرمی، وزیر ارتباطات، نیز در واکنش به این تخریب‌ها در کانال تلگرامی خود به دفاع از مذاکرات و برجام پرداخت و با انتشار آماری از درآمد سرانه هر ایرانی از سال ۹۰ تا ۹۸، نوشت: مشخصا با آغاز دور اول تحریم‌ها، سفره مردم کوچک‌تر شده است، برجام با توقف فرایند کوچک‌شدن سفره مردم، ترمیم گذشته را آغاز کرده است. رفتارهای ظالمانه دولت ترامپ و وضع فشار حداکثری این‌گونه که دیده می‌شود، مجددا بر زندگی مردم اثر مستقیم و منفی گذاشته است. دولت آمریکا و به‌ویژه ترامپ مدعی بود که فشارهای او برای حمایت از مردم ایران است؛ اما مثل تمام دروغ‌های او، معیشت مردم ایران نشانه بود. تحریم‌بودن افتخار نیست؛ همان‌گونه که تسلیم‌بودن هم افتخار نیست. مذاکرات هم جزئی از زنجیره مقاومت ملی ایرانیان علیه استکبار است که ان‌شاءالله با هدایت رهبر معظم انقلاب (حفظه الله) و تلاش تیم مذاکره‌کننده به سرانجام مطلوب ملت ایران خواهد رسید. پ.ن: توصیه می‌کنم پس از «پایان بازی» مدیران صداوسیما، این متن را چند بار بخوانند تا شاید متوجه بازی‌شان با سفره مردم بشوند.

معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهوری نیز در توییتی از اختلال در فهم امنیت ملی ابراز نگرانی کرده و نوشت: «اگر این تحلیل درست باشد که نگرانی از رفع تحریم و احیای برجام به این دلیل است که گشایش احتمالی، امید شهروندان را زنده می‌کند، مشارکت در انتخابات را بالا می‌برد و نهایتا سناریوی پیروزی قطعی برخی را برهم می‌زند، باید بپذیریم که اختلال سیستماتیک و خطرناکی در فهم امنیت ملی رخ داده». علیرضا معزی، همچنین در توییت دیگری به اقدامات چند روز اخیر صداوسیما این‌گونه واکنش نشان داد: «گزارش یک روز معمولی رسانه‌ای ملی: گرفتن آنتن زنده شبکه خبر از رئیس‌جمهور علی‌رغم هماهنگی‌ها پخش مستند علیه برجام از شبکه سه بعد از فوتبال انتشار اخبار غیرموثق به نقل از یک منبع آگاه علیه تیم مذاکره‌کننده خودی، از «پرس تی‌وی». مهم‌تر آنکه رسانه ملی، پس از ظهور کلاب‌هاوس، به‌شدت آزرده و معترض بود که چرا تا وقتی آنها هستند، پلتفرمی خارجی باید میزبان بی‌طرف گفت‌وگوهای شهروندان باشد. لااقل برای نمایش هم که شده، ادای بی‌طرفی و فراگیربودن را درآورند».

نگاهی به روند شکل‌گیری سپاه

سرنوشت فرماندهان سپاه از ۵۸ تا ۱۴۰۰

امیرحسین جعفری: انقلاب اسلامی در مقاطعی تجربه مبارزه مسلحانه و لزوم تربیت نیروهای چریکی را در بطن خود داشت که این تجربه پس از انقلاب با وجود خطرات بی‌شماری که انقلاب ایران را تهدید می‌کرد، انقلابیون را به لزوم ایجاد یک سازوکار نظامی وفادار به انقلاب سوق داد. کمیته‌های انقلاب که در آغاز به وجود آمدند، توانایی خیلی زیادی برای حفاظت و مسائل دیگر امنیتی نداشتند و نیروهای آن نیز به صورت جدی تأیید صلاحیت نشده بودند. به‌همین‌دلیل در گروه‌های مسلح مسلمان پس از انقلاب دست به ایجاد تشکیلات چریکی تحت عناوین مختلف زدند. نهضت آزادی، تشکیلات گارد ملی و محمد منتظری گروه پاسا را تشکیل دادند و در کنار اینها سازمان مجاهدین انقلاب و گروه‌های دیگری نیز شروع به فعالیت کردند؛ اما در نهایت به تاریخ دوم اردیبهشت ۱۳۵۸ با فرمان امام این گروه‌های مسلح تحت عنوان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران ساماندهی شدند. در آغاز آیت‌الله لاهوتی از سوی امام مسئول سازمان‌دهی این تشکیلات شد و شورایی هفت‌نفره از سوی شورای انقلاب برای این نهاد تازه‌تأسیس تعیین شد: آقایان جواد منصوری (فرمانده کل)، عباس آقازمانی (فرمانده عملیات)، محمد بشارتی، محسن رضایی، دانش‌منفرد، محسن رفیق‌دوست، اسماعیل شمسی، فروتن و کلاهدوز. هرچند در این زمینه اختلاف نظراتی وجود دارد و روایت محسن رفیق‌دوست، محمد غرضی و جواد منصوری در این زمینه مقداری از لحاظ اسامی متفاوت است؛ به‌طوری‌که این روایت نیز وجود دارد که شورای اولیه متشکل از افراد فوق بودند: جواد منصوری (فرمانده)، محمد بشارتی و بعدها محسن رضایی به سمت مسئول اطلاعات و تحقیقات و عضو شورای فرماندهی، سیداسماعیل داودی به سمت مسئول اداری و مالی، محسن رفیق‌دوست به سمت مسئول تدارکات و مرتضی الویری به سمت مسئول روابط‌عمومی تشکیل می‌شود. جواد منصوری دراین‌باره می‌گوید: واقعیت قضیه این است که از ابتدای پیروزی انقلاب در فکر تأسیس سپاه بودیم و اولین هسته سپاه را تشکیل دادیم. البته دولت موقت نیز گارد ملی را تشکیل داد که آقایان دانش‌منفرد و محسن سازگارا از اعضای آن بودند. شهید محمد منتظری نیز یک تشکیلات درست کرد. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی هم یک گروه مسلح را انتخاب کرده بود. چهار تشکیلات به وجود آمده بود که همه در هم ادغام شدند و به عبارتی همه درست می‌گویند که پایه‌گذار سپاه هستند؛ اما سپاه رسمی و قانونی، زیر نظر شورای انقلاب تشکیل شد و من و شش نفر دیگر با حکم شهید بهشتی از اعضای شورای فرماندهی سپاه شدیم. این هفت نفر عبارت بودند از: من، عباس آقازمانی، رفیق‌دوست، بشارتی، کلاهدوز، اسماعیل شمسی و آقای فروتن. سپاه قانونی با این اسامی که ذکر کردم، آغاز به کار کرد. من ۵۸/۲/۲ فرمانده سپاه شدم. البته در آغاز فعالیت سپاه حکم همه اعضا شش‌ماهه بود؛ ولی عملا بعد از اتمام شش ماه، تصمیمی گرفته نشد و ما هم فعالیت‌مان را ادامه دادیم. من تا اول اسفند ۵۸ در فرماندهی سپاه بودم تا زمانی که بنی‌صدر فرمانده کل قوا شد و من استعفا دادم. دفتر اولیه سپاه در یکی از ادارات ساواک واقع در نگارستان هشتم در خیابان پاسداران (سلطنت‌آباد سابق) تأسیس و ساختمان‌های متروکه و مصادره‌شده در سایر نقاط به‌عنوان ادارات این نهاد مورد استفاده قرار گرفت. جانشینان فرماندهان سپاه نیز عبارت‌اند از: سرهنگ دوم یوسف کلاهدوز، علی شمخانی، رحیم‌صفوی، محمدباقر ذوالقدر، مرتضی رضایی، سیدمحمد حجازی، حسین سلامی و علی فدوی. در ادامه به مرور فرماندهان سپاه از آغاز تاکنون می‌پردازیم.

جواد منصوری؛ اولین فرمانده

جواد منصوری متولد ۱۳۲۴ در کاشان است. جواد منصوری عضو حزب گروه ملل اسلامی معروف به گروه ۵۵نفره بود. او به دنبال فعالیت‌های سیاسی نخستین بار در سال ۱۳۴۴ دستگیر و به شش سال زندان محکوم شد؛ اما در سال ۱۳۴۸ آزاد شد. او مبارزات خود در گروه حزب‌الله را ادامه داد و مجددا در سال ۱۳۵۱ دستگیر و تا انقلاب در زندان بود. جواد منصوری اولین فرمانده سپاه از (اردیبهشت تا اسفند ۱۳۵۸) با حکم بهشتی است. او پس از انتصاب بنی‌صدر به فرماندهی کل قوا از این سمت استعفا داد. او از فروردین ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ معاون فرهنگی و کنسولی و سپس به مدت یک سال، معاون آسیا و اقیانوسیه وزیر امور خارجه بود. سپس در سال ۱۳۶۸ به‌عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران به پاکستان رفت و تا سال ۱۳۷۲ در این سمت بود. جواد منصوری سال ۱۳۷۲ معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی را برعهده گرفت و تا سال ۱۳۷۴ در این سمت بود. او همچنین از ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸ سفیر ایران در پکن بود. او درحال‌حاضر در مرکز اسناد انقلاب اسلامی مشغول به کار است. او خاطرات خود را در کتاب‌های متعددی نوشته است و در سال‌های اخیر موضع سیاسی خاصی به نفع جریانات سیاسی مرسوم نگرفته و به‌عنوان یک چهره مستقل سیاسی-تاریخی شناخته می‌شود.

عباس دوزدوزانی؛ نظامی شاعر

عباس دوزدوزانی متولد ۱۳۲۱ و فوت‌شده در سال ۱۳۹۷ است. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش فراگرفت و چندی‌بعد با شکل‌گیری انقلاب، به فرمان حضرت امام خمینی و با همراهی چند نفر از انقلابیون، شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در دوم اردیبهشت ۱۳۵۸ پایه‌گذاری کرد و خود نیز به‌عنوان دومین فرمانده کل رسمی سپاه پاسداران مشغول به کار شد. ورودش به عرصه سیاست و مبارزه با رژیم پهلوی بعد از آشنایی‌اش با دکتر یدالله سحابی و مهدی بازرگان آغاز شد و بعد به حزب ملل اسلامی پیوند خورد. او در این دوره با اعضای نهضت آزادی هم‌بند بود. دوزدوزانی چیزی درباره اینکه آیا او در سازمان مجاهدین خلق قبل از تغییر ایدئولوژیک آن عضویت یا حتی گرایشی داشته است یا نه، نگفته است؛ اما بهزاد نبوی در خاطراتش از زندان دهه ۵۰ می‌گوید: «شهید رجایی، صادق نوروزی، حسین منتظرحقیقی (برادر شهید محمد منتظرحقیقی) و حاج عباس دوزدوزانی دوستانی بودند که از مجاهدین خلق در زندان اوین جدا شدند. من هم همراه آنها بودم».

عباس دوزدوزانی پس از استعفای جواد منصوری در اسفند ۵۸ به فرماندهی کل سپاه پاسداران منصوب شد. وی نخستین فرمانده کل سپاه بود که حکم فرماندهی خود را از بنی‌صدر دریافت کرده بود. دوزدوزانی هم به دلیل مخالفت‌های رئیس‌جمهور وقت، در دوم خرداد ۱۳۵۹ استعفا می‌دهد و از این مسئولیت کنار می‌رود. وی از ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۰ در کابینه محمدعلی رجایی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بود که وزارت ارشاد را در این دوره منحل اعلام کرد. دوزدوزانی در دوره نخست مجلس شورای اسلامی نیز نماینده تبریز بود و در ادوار دوم و سوم مجلس شورای اسلامی نیز به‌عنوان نماینده تهران در مجلس حضور داشت. از دیگر سمت‌های دوزدوزانی می‌توان معاون دکتر معین (وزیر علوم)، مشاور محمد خاتمی (رئیس‌جمهور)، عضو و رئیس شورای شهر تهران در دوره اول شوراها و رئیس کانون زندانیان سیاسی قبل از انقلاب نام برد. عباس دوزدوزانی به مرور زمان نرم‌تر و آرام‌تر شد به‌گونه‌ای که پس از پیروزی دوم خرداد ۱۳۷۶ در اردوگاه اصلاح‌طلبان تعریف شد منتها سعید حجاریان یک‌بار در تنوع جبهه مشارکت - مهم‌ترین حزب اصلاح‌طلب - پس از دوم خرداد گفت: «مشارکت، طیف‌های مختلف را در برمی‌گیرد و بین‌العباسین است». عباس دوزدوزانی در سال‌های آخر عمر و حتی بعد از شورای اول فعالیت خاص سیاسی نداشت اما مانند ابوالقاسم سرحدی‌زاده زندانی پرسابقه سیاسی در رژیم گذشته و وزیر کار دهه ۶۰ از اوضاع گله می‌کرد.

عباس آقازمانی (ابوشریف) در قامت یک چریک

عباس آقازمانی متولد ۱۳۱۸ معروف به ابوشریف است. آقازمانی دانش‌آموخته کارشناسی حقوق اسلامی از دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران است. وی در سال‌های دهه ۴۰ با حزب ملل اسلامی در ارتباط بود و پس از حمله ساواک به این تشکیلات، ابوشریف به سه سال زندان محکوم شد. عباس آقازمانی در سال ۱۳۴۶ و با گذشت زمان اندکی از آزادی، با گردآوری عده‌ای از هم‌رزمان سابق خود در حزب ملل اسلامی، از جمله احمد احمد، جعفر منصور، جواد منصوری و عباس دوزدوزانی، سازمان حزب‌الله را بنا نهاد. از سال ۱۳۴۸ همراه حزب‌الله به فعالیت ضد رژیم پهلوی، در پوشش برپایی کلاس‌های تدریس علوم اسلامی و عربی، در محافل مذهبی و برخی مساجد تهران اقدام کرد. وی همچنین در فاصله سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۸ با انجمن حجتیه در مقابله با بهائیان نیز همکاری داشت. او در سال ۱۳۵۰ به سمت فلسطین و لبنان گریخت. او در کشورهای عربی دوره‌های چریکی مختلفی را طی کرد و دارای اندیشه‌های انترناسیونالیستی یا نظرات امت‌محور بود. ابوشریف پس از مدتی به اروپا رفت و به تدریس قرآن در انجمن‌های اسلامی پرداخت. در پاییز ۱۳۵۷ پس از مهاجرت امام به فرانسه، به نوفل‌لوشاتو رفت و به‌واسطه دوستی با مهدی عراقی، به گروه تأمین‌کنندگان امنیت محل اقامت امام خمینی پیوست. او در آستانه وقوع انقلاب، در ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ درحالی‌که هنوز احتمال دستگیری توسط ساواک وجود داشت، به‌صورت ناشناس وارد ایران شد. وی به توصیه سیدمحمد بهشتی به محل استقرار نیروهای انقلابی در مدرسه رفاه رفت و به سازماندهی آنها و تأمین امنیت آن مکان مبادرت کرد و از طرف کمیته مرکزی، مسئول جمع‌آوری سلاح‌ها و سازماندهی افراد شد و هم‌زمان امور انتظامی مدرسه رفاه را نیز اداره می‌کرد. آقازمانی پس از وقوع انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، به سامان‌دادن نیروهای نظامی انقلابی پرداخت که پس از چندی به شکل‌گیری اولین گردان‌های عملیاتی سپاه پاسداران منجر شد. وی پس از استعفای عباس دوزدوزانی در تاریخ دوم خرداد ۱۳۵۹ به فرماندهی کل سپاه منصوب شد اما ۲۵ روز بعد از این سمت استعفا داد. با شروع حمله عراق به ایران، ابوشریف از اولین فرماندهان سپاه پاسداران بود که وارد عرصه مقابله با این تهاجم شد. بنابر شواهد، عرصه حضور او و نیروهایش بیشتر در منطقه غرب کشور بوده است. چنانکه از جمله مسئولیت‌های او نمایندگی شورای عالی دفاع در غرب کشور، فرماندهی عملیات غرب کشور و ریاست ستاد جنگی غرب کشور برشمرده شده است. در اواسط سال ۱۳۶۰، پس از تغییر و تحولات پیش‌آمده در سپاه، عباس آقازمانی برای تصدی مسئولیت سفارت ایران در پاکستان، عازم آن کشور شد. وی در شهریور ۱۳۶۰ به‌عنوان کاردار ایران در پاکستان منصوب و در فروردین ۱۳۶۱ به سمت سفیر ایران در آن کشور برگزیده شد. مأموریت او در پاکستان بعد از سه سال پایان یافت و ابوشریف در سال ۱۳۶۳ به ایران بازگشت. عباس آقازمانی بعد از بازگشت از پاکستان، به شهر قم رفت و به تکمیل تحصیلات دینی خود تا سطح خارج فقه و اصول در حوزه علمیه قم پرداخت. آقازمانی هم‌زمان با حضور در شهر قم نمایندگی ولی فقیه در امور افغانستان را بر عهده داشته و به مجاهدین افغان در نبرد با دولت اشغالگر شوروی سابق یاری می‌رساند. آقازمانی در سال ۱۳۶۶ پس از کشمکش‌های فراوان در ایران، بار دیگر از کشور خارج شد و به افغانستان رفت. در سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۷۰ با خروج نیروهای شوروی از افغانستان و سقوط دولت کمونیستی محمد نجیب‌الله توسط مجاهدین، ابوشریف به همراه گروه‌های جهادی افغان در هنگام فتح پایتخت، وارد شهر کابل شد. با بروز جنگ داخلی در افغانستان و پس از تصرف کابل توسط نیروهای طالبان، وی به پاکستان رفت. آقازمانی در سال‌های دهه ۱۳۸۰ در پاکستان حضور داشت و در این دوره، به فعالیت‌های دینی اشتغال داشته است. در تاریخ ۱۶ تیر ۱۳۹۰ روزنامه خراسان خبر از حضور مجدد آقازمانی در ایران داد. هم‌اکنون از محل زندگی و فعالیت‌های او اطلاعات دقیقی در دسترس نیست.

مرتضی رضایی؛ سردار بی‌عکس سپاه

مرتضی رضایی ۲۲تیر ۱۳۵۹ تا۲۰ شهریور ۱۳۶۰ با حکمی از سوی بنی صدر فرماندهی کل سپاه را در دست داشت. در سال ۱۳۷۲، در اخبار سراسری، حکمی از سوی آیت‌الله خامنه‌ای، خطاب به مرتضی رضایی منتشر شد. این خبر که بدون پخش تصویری از وی و با پوششی ضعیف پخش می‌شد، ناظر به انتصاب این سردار کهنه‌کار به مقام حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران بود. پس از آن در سال ۱۳۸۵ آخرین باری که نام مرتضی رضایی در رسانه‌ها شنیده شد، مرتضی رضایی از سوی رهبری جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد. گویا وی چندسالی است که هیچ مسئولیتی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ندارد و روزهای بازنشستگی خود را طی می‌کند. اطلاعات بیشتری از وی در دسترس نیست.

محسن رضایی‌میرقائد

محسن رضایی‌میرقائد متولد ۱۳۳۳ از بنیان‌گذاران سازمان منصورون است. رضایی به همراه محمد بروجردی از اعضای تیم حفاظت از امام خمینی پس از ورود ایشان به کشور بودند. پس از وقوع انقلاب، او از پایه‌گذاران سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود و همچنین یکی از اعضای هیئت ۱۲نفره تدوین اساسنامه سپاه پاسداران در زمستان ۱۳۵۷ به‌شمار می‌آمد. رضایی از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰ نخستین فرمانده واحد اطلاعات سپاه بود و در سال ۱۳۶۰ با حکم امام به فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد و تا ۱۳۷۶ برای مدت ۱۶ سال در این جایگاه فعالیت کرد. محسن رضایی در ۹ اردیبهشت ۱۳۶۶ در نامه‌ای به احمد خمینی، با ذکر دلایلی همچون امکانات کم و پشتیبانی ضعیف و پیش‌بینی اینکه نیروهای ایرانی بدون رفع این مشکلات تلفات سنگینی خواهند داد، از مقام فرماندهی کل سپاه استعفا داد. آقای رضایی در استعفانامه خود نوشت که علی‌رغم مقاومت‌های زیاد در مقابل مشکلات و نارسایی‌های میدان نبرد (که عمدتا ناشی از افراد و عوامل داخلی جامعه و مسئولان کشور بوده‌اند)، مجبور به استعفا شده است. امام با استعفای محسن رضایی مخالفت کرد و او تا سال ۱۳۷۶ در فرماندهی کل سپاه باقی ماند. وی که تحصیلات در مقطع کارشناسی رشته مهندسی مکانیک دانشگاه علم و صنعت را پیش از انقلاب نیمه‌کاره رها کرده بود، در سال ۱۳۷۶ و پس از استعفا از فرماندهی سپاه، بار دیگر تحصیل را از سر گرفت و ابتدا کارشناسی اقتصاد را از مرکز آموزش سازمان برنامه و بودجه دریافت و سپس کارشناسی‌ارشد و دکترای اقتصاد را در سال ۱۳۷۹ از دانشگاه تهران اخذ کرد. محسن رضایی در پی استعفا از فرماندهی سپاه پاسداران در سال ۱۳۷۶ از حضور در کلیه نیروهای نظامی نیز کناره‌گیری کرد و وارد دنیای سیاست شد. رضایی در سال ۱۳۷۶ با حکم آیت‌الله خامنه‌ای، به سمت دبیری مجمع تشخیص مصلحت نظام منصوب شد و از سال ۱۳۷۹ نیز ریاست کمیسیون اقتصاد کلان مجمع تشخیص مصلحت نظام را بر عهده گرفت. محسن رضایی در این سال‌ها فعالیتش را در مجمع تشخیص مصلحت نظام متمرکز کرده است. از فعالیت‌های وی در مجمع تشخیص می‌توان به تدوین سند چشم‌انداز ۲۰ساله ایران و کمک به اصلاح قانون سرمایه‌گذاری خارجی در کشور اشاره کرد. او در ششمین دوره انتخابات مجلس و نهمین، دهمین و یازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری کاندیدا شد، اما موفق نشد. رضایی در دی‌ماه ۱۳۹۸ از سوی آمریکا تحریم شد.

سیدیحیی صفوی؛ از فرماندهی سپاه اصفهان تا فرماندهی کل سپاه

سیدیحیی صفوی متولد ۱۳۳۱ در روستای همام از بخش باغ‌بهادران شهرستان لنجان استان اصفهان است. او نظامی و سیاست‌مدار ایرانی است که از فرماندهان سپاه اصفهان در دوران جنگ ایران و عراق و فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در میان سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۶ بود. او در حال حاضر دستیار و مشاور عالی مقام معظم رهبری در امور مربوط به نیروهای مسلح است و به‌عنوان استاد جغرافیای سیاسی در دانشگاه‌های خوارزمی تهران، شهید بهشتی، تهران و تربیت‌مدرس فعالیت می‌کند. صفوی دانش‌آموخته کارشناسی زمین‌شناسی از دانشگاه تبریز، کارشناسی‌ارشد جغرافیای سیاسی از دانشگاه امام حسین(ع) و دکترای جغرافیای سیاسی از دانشگاه تربیت‌مدرس است. وی پس از ۱۰ سال فرماندهی بر این ارگان نظامی، به دستور مقام معظم رهبری، جای خود را به محمدعلی جعفری داد.

محمدعلی جعفری؛ از دانشکده هنرهای زیبا تا فرماندهی سپاه

محمدعلی جعفری متولد ۱۳۳۳ یزد و فارغ‌التحصیل دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و کارشناسی‌ارشد فرماندهی از دانشگاه امام حسین(ع) است. وی از نمایندگان انجمن اسلامی دانشجویان در بحران گروگان‌گیری در سفارت آمریکا بود. او در طول جنگ ایران و عراق، از فرماندهان میانی سپاه پاسداران بود و در خلال جنگ دوره‌ای فرماندهی قرارگاه غرب، قرارگاه نجف و مدتی نیز فرماندهی قرارگاه قدس را بر عهده داشت. جعفری از ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۱ جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه بود و در فاصله سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۴ برای مدت ۱۳ سال به‌عنوان فرمانده نیروی زمینی سپاه فعالیت می‌کرد. جعفری در ۱۰ شهریور ۱۳۸۶ به فرماندهی کل سپاه منصوب شد و در اول اردیبهشت ۱۳۹۸ سردار حسین سلامی جایگزین وی شد. او در دوران کاری خود، شرایط سختی ازجمله وقایع ۸۸ و دی‌ماه ۹۶ را پشت سر گذاشت. سردار جعفری هم‌اکنون فرمانده قرارگاه فرهنگی بقیه‌الله(عج) است.

ادامه در صفحه ۷

ادامه از صفحه اول

رشد اقتصادی در سایه گفت‌وگوی ملی

در چنین شرایطی پدیده‌های نامطلوبی چون کولبری در مناطق مرزی غرب کشور و سوخت‌بری در مناطق مرزی شرق رواج یافته است. طبعا نابرابری منطقه‌ای و رشد نامتوازن مناطق می‌تواند به همدلی در جریان توسعه آسیب برساند.

۳- بی‌اعتنایی به حقوق مالکانه جمعیت بومی

علاوه بر عواملی از نوع توزیع نامتوازن امکانات توسعه‌ای بین مناطق، نادیده‌گرفتن سهم جمعیت بومی از منابع و ثروت‌های منطقه نیز به‌نوعی گسست منطقه‌ای را تشدید کرده است. برای نمونه اجرای طرح‌های بزرگ انتقال آب آن‌هم در شرایط خشک‌سالی منتهی به گسترش نارضایتی در برخی مناطق شده است یا واگذاری اراضی منابع طبیعی در برخی مناطق به بهره‌برداران خاص و درنتیجه محروم‌ماندن جمعیت بومی از این دارایی که آن را حق مسلم آباواجدادی خود تلقی می‌کنند، یا بهره‌برداری از معادن آن‌هم توسط بهره‌برداران خاص که فقط آلودگی زیست‌محیطی را نصیب منطقه می‌کند، یکی از عوامل تهدیدکننده وحدت ملی است و به‌عنوان عامل شتاب‌دهنده گسست منطقه‌ای عمل می‌کند.

۴-مسائل قومی

سرزمین ایران از دیرباز سکونتگاه اقوام ایرانی بوده که درعین داشتن تاریخ و ارزش‌های فرهنگی مشترک، آداب‌ورسوم و فرهنگ خاص خود را دارند. این تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند و باید به‌عنوان سرمایه‌ای در جریان توسعه به‌کار گرفته شود ولی بی‌توجهی به این مسئله موجبات ایجاد فاصله بیشتر بین اقوام و تغییر تفاوت‌های قومیتی از یک سرمایه و فرصت به یک معضل و تهدید را فراهم می‌سازد.

۵- مسائل مذهبی

درطول تاریخ پیروان ادیان و مذاهب در سرزمین ایران در کمال صلح و آرامش زیسته‌اند، و در تاریخ ایران نشانی از جنگ و جدال مذهبی از آن نوعی که در برخی کشورها وجود داشته، یافت نمی‌شود. بااین‌حال هر گونه بی‌تدبیری می‌تواند این تفاوت را نیز به یک تهدید مبدل سازد. درصورتی‌که ایران امروز می‌تواند کما فی السابق در سایه تدبیر و خردورزی الگویی ماندگار و آموزنده از همزیستی پیروان مذاهب و ادیان را به جهان آشفته امروز ارائه کند.

۶- تقابل بین بخش سنتی و بخش مدرن

توسعه اجتماعی و اقتصادی نامتوازن در کشورهای درحال‌توسعه معمولا تقابل بین دو بخش سنتی و مدرن را گسترش داده است. زیرا جریان توسعه به‌ویژه در مراحل اولیه خود طبعا قادر نبوده تمامی جامعه را تحت‌تأثیر خود قرار داده و به یک میزان تغییرات اجتماعی و فرهنگی را در آنها ایجاد کند. بدین‌ترتیب فاصله بین دو بخش سنتی و مدرن نیز می‌تواند به‌عنوان یک گسست مهم در مسیر توسعه همه‌جانبه کشور ظاهر شده و جریان پیشرفت را کند یا حتی متوقف سازد.

۷- گسست سلیقه سیاسی

وجود سلیقه‌ها و گرایش‌های مختلف سیاسی در هر جامعه امری کاملا طبیعی محسوب می‌شود و درواقع باید نبود این اختلاف سلیقه را غیرطبیعی تلقی کرد. بااین‌حال شیوه نگرش به سلیقه‌های مختلف سیاسی می‌تواند این پدیده را به یک فرصت یا یک تهدید مبدل سازد. شکل‌گیری احزاب فراگیر و رقابت حزبی سالم در چارچوب قوانین می‌تواند درعین احترام به سلیقه‌ها و بینش‌های متفاوت در میدان سیاست، شرایط باثباتی برای کشور پدید آورده و محصولی ارزشمند به نام شایسته‌سالاری را نصیب جامعه کند. در مقابل بی‌اعتنایی به این پدیده می‌تواند رقابت سیاسی را وارد ریل تخریب ساخته و بنیان جامعه را در معرض خطر قرار دهد. به بیان دقیق‌تر رقابت سیاسی در یک جامعه امروزی می‌تواند کم‌هزینه و پردستاورد یا پرهزینه و کم‌دستاورد باشد. برخورد حاکمیت و نظام اداری و قانونی کشور با احزاب سیاسی تعیین‌کننده میزان هزینه و نوع دستاورد هر جامعه است. در شرایط فعلی متأسفانه رقابت سیاسی در جامعه ما از نوع دوم است. بارزترین شاهد این مدعا بیانیه اخیر وزارت خارجه در مورد برخورد تخریبی برخی رسانه‌های برخوردار از امکانات عمومی با جریان مذاکرات وین است. در شرایطی که طرف مقابل ایران از حمایت کامل رسانه‌ای در کشور خود و حتی در سطح جهان برخوردار است، تیم مذاکره‌کننده ایرانی از یک‌سو باید مراقب رفتار و حرکات حریف خود بر سر میز مذاکره باشد و درعین‌حال شدیدترین موج تخریب را از جانب خودی‌ها تحمل کند. این وضعیت را می‌توان با شرایطی مقایسه کرد که یک تیم ورزشی در یک مسابقه حساس ملی حاضر شده و تماشاگران خودی به‌جای تشویق و دادن روحیه به آنان به تشویق تیم حریف پرداخته‌اند! با کنار هم گذاردن این مجموعه گسست‌های جدی می‌توان گفت جریان توسعه کشور با دشواری مواجه است و بدون درمان این گسست‌ها دستیابی به توسعه بسیار دشوار خواهد بود. به باور نگارنده اولین قدم در راه درمان این بیماری و کاهش آثار منفی این گسست‌ها گسترش گفت‌وگوی ملی است؛ گفت‌وگویی سازنده با الگوی قرآنی جدال احسن که می‌تواند سرآغاز رسیدن به درکی بالاتر در مورد شرایط حساس جامعه و ضرورت طی مراحل توسعه باشد و همگان را به این باور برساند که بقا و سربلندی جامعه امروز ایران در گرو تفاهم و همدلی است، همدلی همه آحاد جامعه و همه کنشگران سیاسی، فرهنگی و اجتماعی.

آگهی موضوع ماده ۳ وماده۱۳آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی

نظر به دستور مواد۱و۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی وساختمانهای فاقدسند رسمی مصوب۲۰-۰۹-۱۳۹۰ املاک متقاضیانی که درهیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقردرواحدثبتی آمل مورد رسیدگی وتصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز وارای لازم صادرگردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد: املاک متقاضیان واقع دربخش نه ثبت آمل -دهستان لیتکوه ۵۱-اصلی(قریه درمه کلاعلیا) ۹۴۱فرعی خانم لیلی رهی درششدانگ یک قطعه زمین باساختمان احداثی به مساحت ۶۰-۱۵۵مترمربع.خریداری شده بلاواسطه ازحسن وحسین جعفری. لذابه موجب ماده ۳-قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سندرسمی وماده۱۳_آیین نامه مربوطه این آگهی دردونوبت به فاصله ۱۵روز ازطریق روزنامه محلی وکثیرالانتشار درشهرها منتشر ودرروستاها رای هیات الصاق تادرصورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید ازتاریخ انتشار اولین آگهی در روستاها ازطریق الصاق درمحل تادوماه اعتراض خودرا به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایند.معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که دراین صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است ودرصورتی که اعتراض درمهلت قانونی واصل نگردد یا معترض،گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سندمالکیت می نماید وصدورسند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابرماده ۱۳ آئین نامه مذکور درمورد قسمتی ازاملاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده،واحدثبتی باراي هیات پس ازتنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود،مراتب رادراولین آگهی نوبتی وتحدید حدودبه صورت همزمان باطلاع عموم می رساندونسبت به املاک درجریان ثبت وفاقد سابقه تحدید حدود،واحدثبتی آگهی تحدیدحدود رابه صورت اختصاصی منتشر می نماید.م الف ۱۹۹۱۱۶۱۷

تاریخ انتشارنوبت اول۰۴-۰۲-۱۴۰۰ تاریخ انتشار نوبت دوم۱۸-۰۲-۱۴۰۰

فیض اله ذبیحی سرپرست اداره ثبت اسنادواملاک آمل